

بررسی اثر بخشی پیشگیری از جرم و راهکارهای آن در رویه قضایی

نوید صحرایی^۱ / منیره رحیمی کلدانلو^۲

* نوع مقاله: ترویجی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

چکیده

جرم، جنایت و ترس از جرم از جمله دغدغه های رایج و فراگیر در جوامع مختلف می باشد؛ تدابیر مختلف و متنوعی در طول زمان برای برخورد با جرم و بی نظمی اتخاذ شده است. به جز بخش معدودی از کشورهای اسلامی که به تبعیت از سیستم جنایی اسلام گرایش قابل توجهی به تدابیر متنوع پیشگیرانه داشته اند، در سایر ملل این تدابیر صبغه واکنشی و سرکوبگرانه داشته و به شکل مجازات نمایان شده و از طریق سیستم عدالت قوه قضاییه اعمال گشته است. در دهه های اخیر و کنونی ناتوانی سیستم دادگستری در حل مشکل جرم و نا امنی بر همگان معلوم شده که مع الاسف این واقعیت و همچنین هزینه های سرسام آور و هنگفت اقدامات سرکوبگرانه، سیاست گذاران حوزه قانون گذاری را به استفاده از تدابیر پیشگیرانه وادار ساخته است. اقدامات پیشگیرانه نیز در گذر زمان کارآمدی خود در پیشگیری از جرم و جنایت و مقابله با جرم و نا امنی را به وضوح نشان داده است.

واژگان کلیدی: ماهیت پیشگیری از جرم، پیشگیری اجتماعی و وضعی، پیشگیری از جرم در قانون اساسی، لایحه پیشگیری از جرم.

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. (نویسنده مسئول)

navidsahraeilawyer@gmail.com

^۲ کارآموز وکالت، کارشناس علوم قضایی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه.

monirehlawyer1997@gmail.com



مقدمه

دربرخورد با پدیده جرم و ناامنی دو گزینه اصلی در برابر امور قرار دارد، گزینه اول رویکرد سنتی سرکوب و مجازات است که با شدت عمل و از طریق سیستم عدالت قوه قضائیه پیگیری می شود، این رویکرد در اواخر قرن اخیر ناتوانی خود در حل مشکل جرم را آشکارا نشان داده است، گزینه دوم مقوله پیشگیری از جرم است، به دلیل کارایی بالا این رویکرد در دو دهه اخیر اقبال بسیار به پیشگیری از جرم در جوامع مختلف دیده می شود، جرم و گناه وقتی در منظر و مرئی و در فضای مشترک و عمومی انجام گیرد محیط اخلاقی و ایمانی جامعه را آلوده می کند، پیشگیری از گناه، به ویژه گناهان مشهودی که جرم و بزه و جنایت شناخته می شود، وظیفه ای اجتماعی است که بر عهده افراد جامعه، دولت، ملت مسلمان و هر اندیشمند دلسوزی در جامعه ی بشری است. البته چندین سال است که با همین هدف مقدس (ستاد مردمی پیش گیری و حفاظت اجتماعی) در قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است که وظیفه آن جلوگیری از تولید و تکثیر و پیدایش و افزایش جرم های گوناگون و پیشگیری از آن است. در این راستا هسته های مردمی حفاظت اجتماعی و ستادهای احیای امر به معروف و نهی از منکر و نیروهای بسیج و سپاه و نیروی انتظامی و همه فرزندان مساجد در هر کجای کشور جمهوری اسلامی ایران با هدایت و نظارت عالمان دین می کوشند که فضای زندگی عمومی مردم را از هر گونه آلودگی به جرم و گناه پاک نگه داشته و از بروز جرایم عقیدتی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و رسانه ای جلوگیری کنند، شناخت زمینه های جرم، انگیزه های مجرمان، انواع جرم و علل و عوامل پیدایش و گسترش آن، یک وظیفه ی اجتماعی است که بدون آن پاسداری از امنیت اخلاقی و ایمانی جامعه، امکان پذیر نمی باشد.

۱- تعاریف

۱-۱- تعریف و ماهیت پیش گیری از وقوع جرم

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در تعریف جرم می گوید: هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود، این یک تعریف قانونی و رسمی از جرم وفق مفاد قانون است. در تعاریف رسمی و قانونی از جرم، عملی جرم محسوب می شود که در قوانین جزایی از آن نام برده شده و کیفر آن نیز از سوی دولت تضمین و بعبارتی ضمانت اجرای آن مشخص و معین شده باشد. از سوی دیگر در لایحه پیشگیری از جرم در این خصوص مقرر می



دارد پیش گیری از جرم عبارت است از: پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن. برای پیش بینی و ارزیابی و کاهش وقوع جرم نیاز به مطالعات و سیاست های اجتماعی، اقتصادی، جامعه شناسی، حقوقی، روانشناسی و مانند آن است (احمدی، ۱۳۸۳، ۲۵۱) از سوی دیگر در این مطالعات نگاه محض به فرد بریده از اجتماع یا جامعه سوای فرد نگاهی ناقص است و باید فرد و جامعه را با هم مورد مطالعه قرار داد، با این توصیف می توان گفت: پیشگیری از وقوع جرم مجموعه ای از اقدامات سازنده، کاهنده و بازدارنده فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که مانع تحقق جرم و بزه در عرصه های فردی و اجتماعی می شود. (نجفی، ۱۳۸۱، ۴۵) پیش گیری از وقوع جرم علم است یا عمل است؟ دانش است یا هنر؟ ماهیتش چیست؟ مارک آنسل معتقد است که سیاست جنایی هم علم (خالقی، ۱۳۸۶، ۶۵) و هم هنر است؛ او برای سیاست جنایی دو مرحله قائل است: علم و هنر و به عبارتی نظر و عمل، مرحله اول: که همان مرحله نظری است بدین معناست که این سیاست جنایی در واقع علم است و به مشاهده و بررسی پدیده مجرمانه می پردازد. مرحله دوم نیز مرحله اعمال این سیاست می باشد که مطابق نظریه مارک آنسل سیاست جنایی در این مرحله به مثابه هنر است. آنسل طرفدار سیاست جنایی دفاع اجتماعی است (نایینی، ۱۴۲۲، ۱۲۵) و در این رهگذر مسایلی را بیان می دارد که در ذیل به آن اشاره می گردد؛ از جمله:

۱- خودداری از اعمال نظام کیفری بطور خودکار؛ یعنی به محض وقوع جرم نباید سریعاً متوسل به مجازات شویم.

۲- تدوین نظام پیشگیری از جرم که به ابزارهای متنوعی تکیه می کند.

۳- اتخاذ یک سیاست اجتماعی سنجیده که جنبه حمایتی از جامعه داشته و ارتباط بین افراد را تشویق و تسهیل کند.

پیش گیری از وقوع جرم اگر فاقد پشتوانه علمی و نظریه پردازانه بوده و صرفاً بر عمل گرایی محض مبتنی باشد، ناقص است، چه آنکه به همین میزان عدم توجه به عمل و تکیه محض بر جنبه های تئوری آن نیز کارساز نیست؛ بلکه این دو باید مکمل یک دیگر باشند. (برنارد، ۱۳۷۳، ۱۲۸)



۱-۲- پیش گیری اجتماعی و وضعی

۱-۲-۱- پیش گیری اجتماعی

در پیشگیری اجتماعی به چند نکته توجه فراوانی شده است :

افزایش آگاهی افراد: در اثر افزایش آگاهی افراد نسبت به جرم و عناوین مجرمانه و میزان مجازات آن است که میزان پیشگیری از مجازات افزایش خواهد یافت.

بدیهی است (گلدوزیان، ۱۳۶۹، ۳۹) افراد انسانی تنها با آگاهی از حقوق خویش و حقوق دیگران می تواند در صدد احیای آن بر آمده و مانع تحقق بزه و جرم از رهگذر نقض حقوق برآیند. همچنین است که تا تعریف و شناخت صحیحی از جرم در دست نباشد، در واقع پیشگیری از آن نیز فاقد مفهوم صحیح به خود خواهد بود. (کی نیا، ۱۳۷۶، ۴۴) تربیت صحیح افراد: بی شک آنچه که در کاهش و پیشگیری از جرم تاثیر به سزایی دارد همان تاثیر تربیت صحیح افراد به ویژه قشر جوان و نوجوان جامعه است (گلدوزیان، ۱۳۶۹، ۷۸)، که این تربیت می تواند در محیط های مختلفی همچون بدوا در کانون خانواده، و در وهله بعدی در مدرسه، دانشگاه و دیگر نهادها و اماکن مذهبی صورت پذیرد.

۱-۲-۲- پیش گیری وضعی

به زبان بسیار ساده پیشگیری وضعی همان علاج زودتر از واقعه است یعنی به عبارت ساده تر قبل از جرم باید کاری کرد که مجرم از ارتکاب جرم منصرف شود، بدین منظور حتی گاهی فرصت ارتکاب جرم از مجرم گرفته می شود؛ به طور مثال اگر قبل از ورود به سایت هایی با درگاه جعلی در خصوص داشتن یا نداشتن نماد استاندارد و بستر قانونی آن اطلاع حاصل کنیم دیگر سارق فرصت دزدی نخواهد داشت یا در صورتی که جلوی دسترسی مجرم به وسایل ارتکاب جرم از جمله سلاح های غیر مجاز گرفته شود حتی در صورتی که در ذهن فرد مجرم نیز زمینه و انگیزه لازم برای ارتکاب جرم فراهم آید دیگر فرصت و ابزار لازمه آن از وی گرفته شده است و نمی تواند به آن اقدام کند. (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ۸۳)

به طور کلی در تعریف فنی و حقوقی پیشگیری وضعی را سلب ابزار و فرصت لازم برای ارتکاب جرم از فرد مجرم دانسته اند، با این توضیح که برای ارتکاب جرم در اجتماع سه رکن لازم است که از آن به مثلث جرم نیز یاد می شود اعم از: انگیزه مجرمانه (Motive)، فرصت (Opportunity) و ابزار



جرم (Means). مهمترین آن ها که قاعده مثلث جرم را تشکیل می دهد، انگیزه مجرمانه است (قرشی، ۱۴۱۲، ۱۳)، انگیزه نخستین قدم است که باعث بیدار شدن میل درونی در افراد و به تبع آن قصد مجرمانه (Intention) می شود فلذا برای از بین بردن این عامل، ضروری است تدابیر پیشگیرانه به صورت اجتماعی اتخاذ گردد. اما اگر به هر دلیل مجرمان واجد انگیزه لازم برای ارتکاب شدند، باید از اجتماع دو ضلع دیگر این مثلث، یعنی (فرصت و ابزار جرم) جهت ارتکاب جرم جلوگیری شود. از میان این دو، سلب فرصت از مجرمان است که بعد از انگیزه مجرمانه اهمیت بیشتری دارد. (نجفی، ۱۳۸۳، ۱۵۴) زیرا متصدیان امر هر چه در جمع آوری ابزارهای ارتکاب جرم از سطح جامعه اهتمام ورزند، باز هم مجرمان با انگیزه خواهند توانست به آن ها دست پیدا کنند؛ هرچند در عین حال نباید اهمیت جمع آوری این ابزارها را در کاهش جرایم نادیده بگیریم لیکن آنچه در پیشگیری وضعی از جرایم اولویت دارد، حفظ آماج ها (Targets) و بزه دیدگان از تعرض مجرمان است. (خالقی، ۱۳۸۶، ۲۵۴) در این زمینه شیوه های مختلفی از سوی جرم شناسان ارائه شده است که از جمله مهمترین آن ها می توان به شیوه های دوازده گانه کلارک جرم شناس انگلیسی اشاره کرد که آن ها را در سه گروه چهارتایی قرار داده است:

۱- دشوار ساختن ارتکاب جرم از طریق:
الف. حفاظت از آماج ها و قربانیان جرم؛

ب. کنترل و ایجاد محدودیت در دسترسی به موقعیت های جرم زا؛

ج. منصرف کردن مجرمان؛ و

د. برچیدن ابزار ارتکاب جرم.

۲-افزایش خطرپذیری مجرمان از طریق:

الف. مراقبت از ورودی ها و خروجی ها؛

ب. مراقبت رسمی؛

ج. مراقبت غیر رسمی و

د. مراقبت طبیعی.



۳- کاهش جاذبه از آماج ها و قربانیان جرم از طریق:

الف. حذف آماج های جرم؛

ب. علامت گذاری اموال؛

ج. تقلیل فرصت های وسوسه انگیز؛

د. وضع قواعد خاص

۲- پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث

در یک تقسیم بندی دیگر پیشگیری از جرم را به پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث تقسیم می کنند. پیشگیری اولیه عبارت است از سالم سازی جامعه به صورتی که جامعه ای عاری از هرگونه جرم داشته باشیم. پیشگیری ثانویه اما شامل اقداماتی است که از فرایند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه جلوگیری می کند. این دو پیشگیری (پیشگیری اولیه و ثانویه) از مصادیق جرم شناسی پیشگیرانه می باشد چراکه در این مرحله هنوز جرمی اتفاق نیفتاده است، پیشگیری ثالث زمانی است که ما با جرم روبرو هستیم؛ در واقع در این نوع پیشگیری، هدف جلوگیری از تکرار جرایم است. برخی حقوق دانان با طرح موضوع فوق معتقدند که بند ۵ اصل ۱۵۸ قانون اساسی صرفاً شامل پیشگیری نوع ثالث است (صفاری، ۱۳۸۰، ۵۹) لذا اینکه آیا بند ۵ اصل فوق الذکر تنها به این پیشگیری اختصاص دارد یا پیشگیری اولیه و ثانویه را نیز در بر می گیرد، اختلاف است.

تقسیم پیشگیری به اولیه، ثانویه و ثالث، مبتنی بر تقسیم زمانی برخورد با پدیده مجرمانه است؛ که این موضوع را در قالب مراحل پیشگیری از وقوع جرم نیز می توان مورد مطالعه و پژوهش قرار داد که خود مشتمل بر ۳ مرحله است:

۲-۱- پیشگیری قبل از وقوع جرم

پیشگیری از جرم مرحله ای است که در آن قبل از هر چیزی سعی می شود بدوا از ظهور و بروز جرم جلوگیری شود چرا که عدالت اجتماعی و اقتصادی، ایجاد امنیت و نظم عمومی، فرهنگ سازی و ایجاد آگاهی متناسب با هر گروه سنی نسبت به حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی خود و مانند آن از جمله اقداماتی است (صفاری، ۱۳۸۰، ۸۹) که حاکمیت و سازمان های خصوصی فعال در عرصه حقوق می توانند به منظور پیشگیری از وقوع جرم انجام دهند.



۲-۲- پیشگیری هنگام وقوع جرم

این همان مرحله گذر از اندیشه به عمل مجرمانه است که از حساسیت فراوانی برخوردار می باشد به طوریکه اگر پیشگیری ثانویه به صورت فنی توسط آموزش و پرورش صورت نپذیرد آثار سوء برجای مانده ناشی از آن به مراتب از وقوع جرم بدتر خواهد بود. چون پیش گیری ثانویه نابخردانه، بیشتر روح جامعه و افکار عمومی را هدف تخریب قرار داد و بی فایده است چرا که اصولاً برای جلب دیدگاه عمومی پیشگیرنده باید مثبت و موثر عمل کند. (ابراهیمی، ۱۳۸۱، ۲۳۱) و بدیهی است اگر این پیشگیری به درستی انجام نشود این عدم تناسب رفتار در فرایند پیشگیری به جرمی دیگر منتهی می شود. پس اقدام به پیشگیری ثانویه باید توسط نهادهای تخصصی و فنی انجام پذیرد. (نجفی، ۱۳۸۲، ۱۳)

۲-۳- پیش گیری پس از وقوع جرم

تنها اقدام بعد از وقوع جرم مجازات مجرم می باشد که برخلاف دو مرحله قبل جنبه کیفری دارد؛ چرا که با اعمال مجازات، به اصلاح مجرم و جلوگیری از تکرار وقوع جرم توسط وی نیز توجه می شود. بدیهی است اعمال مجازات خود باید عاری از هرگونه رفتار مجرمانه و به دور از خدشه به کرامت متهمان و مجرمان باشد. (احمدی، ۱۳۷۷، ۲۰۰) بازپروری و اعاده مجرم به جامعه و قرار دادن وی در مسیر درست حیات بشری به گونه ای که وی را از انجام امور مجرمانه بری نماید از اهداف اصلی پیشگیری در مرحله بعد از وقوع جرم یا همان پیشگیری ثالث است.

۳- تبیین نظام سیاسی ایران

مطابق اصل اول قانون اساسی (جمهوری اسلامی) عنوانی است که برای نظام سیاسی کشورمان برگزیده شده است حال آنکه اصل دوم قانون اساسی نیز جمهوری اسلامی را بدین گونه تبیین نموده است: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.



۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا.

از سوی دیگر وفق اصل ۵۶ قانون اساسی: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است و هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می آید، اعمال می کند. (خالقی، ۱۳۸۶، ۹۵)

با توجه به اصول مزبور نظام جمهوری اسلامی ترکیبی از نظام حاکمیت الهی، حاکمیت ملی و نیز حاکمیت مردم است. بنابراین، از این منظر می توان آن را یک نظام ویژه (sui generis) دانست که در حوزه پیشگیری از جرم نیز از هر سه نظام فوق بهره می پذیرد.

۳-۱- پیش گیری از جرم در قانون اساسی

در رهیافت به سیاست های نظم بخشی اجتماعی جوامع، قوانین اساسی مهم ترین منبع به حساب می آید. گذشته از تقدم این قانون بر سایر قوانین، بازیابی اندیشه های کلی مؤسسان و سیاست ها و خط مشی های عام ارایه شده در این مجموعه ها، قوانین اساسی را به عنوان مناسب ترین تکیه گاه برای افکار حقوق دانان و اتخاذ رویه های تقنینی، قضایی و اجرایی مطرح نموده است (قرشی، ۱۴۱۲، ۱۵۹) بر این پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چند اصل از جمله اصل هشتم، اصل پنجاهم، اصل یکصد و پنجاه و ششم و اصل یکصد و چهل و دوم به مسئله پیشگیری از وقوع جرم اشاره و تصریح می کند. (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ۱۳۵)

اصل هشتم قانون اساسی مقرر می دارد:

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یک دیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.

اصل پنجاهم قانون اساسی مقرر می دارد:



در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی نیز مقرر می دارد:

قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدرن جزایی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیش گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

همانطور که پیداست در تحلیلی دقیق تر همواره می توان به نتیجه ای مناسب تر رهیافت و آن اینکه پیشگیری از وقوع جرمه تنها یک وظیفه همگانی است بلکه حق آنان نیز می باشد. اگر مطابق اصل ۵۶ قانون اساسی، حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش حقی الهی است که از سوی خداوند به انسان اعطا شده است، ابزار اعمال این حق نیز در مسیر حقوق مردم باید تفسیر گردد. (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ۱۹۹) البته حق انگاری پیشگیری از جرم به معنای نفی بعد تکلیفی آن نیست، بلکه با نگرشی دقیق تر می توان دریافت که بازگشت تکالیف و وظایف نیز به حقوق است چرا که فلسفه وضع تکلیف و انجام وظیفه همان رفاه همگانی و سعادت جاودانی و اجتماعی انسان است که این دو حق انسان می باشد و آثار مثبتی در پی خواهد داشت: از جمله آنکه از منظر روانشناسی و جامعه شناسی، حق در مقایسه با وظیفه، انس و الفت بیشتری با روح و فطرت آدمی دارد و به همین دلیل آدمی بیش و پیش از آنکه در پی انجام وظایف خود باشد، در پی دریافت حقوق خویش است. (کی نیا، ۱۳۷۶، ۷۵)، در تفسیر اصل ۸ ام قانون اساسی، پیشگیری از وقوع جرم حوزه های مختلفی دارد:



الف: اجتماعی و فرهنگی، ب- ساختاری، ج- حقوقی و قضایی.

اگر دو بعد اخیر را مربوط به حاکمیت بدانیم، بی تردید بخش اول آن رابطه عمیقی با آحاد مردم جامعه دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ۸۹)، به نظر فقها در حکومت اسلامی آنچه وظیفه یا حق مردم است، پیشگیری از وقوع جرم به صورت زبانی است و فراتر از آن بر عهده حاکمیت است، زیرا این حاکمیت است که قدرت و وسایل لازم برای ضمانت اجرای پیش گیری از وقوع جرم را در ابعاد ساختاری، قضایی، تقنینی و اجرایی در اختیار دارد و مردم در اعمال آن ممکن است قدرت لازم را نداشته و در نتیجه با مشکلاتی مواجه گردند.

یکی دیگر از اموری که باید در تفسیر اصل ۸ به آن توجه نمود، نقش مردم در ایجاد آگاهی از حقوق و وظایف آنان نسبت به یگدیگر و حاکمیت است. (خالقی، ۱۳۸۶، ۱۱۱) همانا نقش مردم در پیش گیری از جرم در لایحه پیشگیری از جرم مورد توجه واقع شده است. به عنوان مثال حضور دبیر شورای سیاست گذاری ائمه جمعه در شورای عالی و نیز حضور افرادی مانند رئیس شورای اسلامی مرکز استان و مدیر کل آموزش و پرورش را به عبارتی می توان نشانه هایی از این توجه دانست ولی با این حال به نظر می رسد آنچنان که بایسته و شایسته است به این مهم توجه نشده است و باید از چهره هایی که توسط مردم انتخاب می شوند؛ مانند نمایندگان مجلس در استان یا شهرستان به تناسب در شورای استان و شهرستان و یا امام جمعه مرکز استان برای شورای استان و نیز ائمه جمعه شهرستان و همچنین برخی چهره های دانشگاهی و چهره های معتبر محلی برای شورای شهرستانی پیشگیری از جرم بهره گرفته شود تا نقش مردم در این مورد بیشتر نمود پیدا کند.

بررسی اصل ۱۵۶ قانون اساسی:

بند پنجم اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی به هنگام شمردن وظایف قوه قضاییه وظیفه پنجم را اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین برمی شمارد. در توضیح این بند از اصل ۱۵۶ ذکر چند مورد خالی از بحث نیست:

سوال اول: پیشگیری از وقوع جرم وظیفه مردم است یا وظیفه قوه قضاییه؟

پیشگیری از وقوع جرم مطابق آنچه در تبیین اصل ۸ ام گفته شده است وظیفه یا به عبارتی حق همگانی مردم است در حالی که در اصل ۱۵۶ از وظایف ذاتی و اصلی قوه قضایی به شمار می آید. (صفاری، ۱۳۸۰، ۱۳۵)



و اینک سوال دوم: پیشگیری از وقوع جرم وظیفه قوه مجریه یا قوه قضاییه؟

در باره اینکه پیشگیری اجرایی از وقوع جرم وظیفه قوه مجریه است یا قوه قضاییه، اختلاف نظر وجود دارد که برای هرکدام دلایل و مستندات وجود دارد. کسانی که آن را وظیفه قوه مجریه می دانند، به دلایل زیر استناد می کنند:

۱- وظیفه ایجاد نظم و امنیت عمومی به عنوان یکی از وظایف اصلی قوه مجریه است پس پیشگیری از وقوع جرم امری اجرایی است و قاعدتا باید در اختیار قوه مجریه باشد.

۲- پیشگیری از جرم یک امر کنشی است (گلدوزیان، ۱۳۶۹، ۲۶۵) تنها آن بخش از پیش گیری که واکنشی است جزو وظایف قوه قضاییه است. بنابراین، حتی اگر قانون اساسی هم پیشگیری را بر عهده قوه قضاییه نهاده باشد، صحیح نیست و یا لاقبل باید آن را تفسیر مضیق نمود و تنها پیشگیری واکنشی را از وظایف قوه قضاییه دانست.

۳- قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را سازمانی مسلح و در تابعیت فرماندهی کل قوا ولی وابسته به وزارت کشور می داند (نجفی، ۱۳۸۳، ۱۹۹) از سوی دیگر در ماده ۳ این قانون مقرر می دارد: هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران می باشد. با تلفیق این دو ماده میتوان استنباط نمود که وظیفه ایجاد نظم و امنیت از وظایف اساسی نیروی انتظامی است که خود زیر مجموعه قوه مجریه است.

۴- در ماده ۴ قانون فوق به هنگام شمردن وظایف نیروی انتظامی در بند ۸ یکی از وظایف نیروی انتظامی را پیشگیری از وقوع جرم نامبرده و با توجه به اینکه نیروی انتظامی وابسته به وزارت کشور است پس از زیر مجموعه های قوه مجریه است. (نجفی، ۱۳۸۱، ۸۹) از سوی دیگر کسانی که مدافع ارجاع وظیفه حاکمیتی پیشگیری از وقوع جرم به قوه قضاییه هستند، به دلایل زیر استناد می کنند:

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت در بند ۵ اصل ۱۵۶ وظیفه پیشگیری از وقوع جرم را بر عهده قوه قضاییه نهاده است.



۲- با توجه با تقدم رتبی قانون اساسی بر سایر قوانین بر فرض وجود تعارض بین قانون عادی و قانون اساسی، قانون اخیر مقدم است. بنابراین، قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، نمی تواند در برابر قانون اساسی قابل استناد باشد.

۳- درست است که ایجاد امنیت اقدامی اجرایی است و قاعدتا باید در اختیار قوه مجریه باشد ولی باید توجه داشت که وظیفه ایجاد امنیت با وصف عمومیتش بر عهده قوه مجریه است (برنارد، ۱۳۷۳، ۵۸) اما هیچ منافاتی ندارد که بخشی از ایجاد امنیت که از طریق پیشگیری از وقوع جرم صورت می پذیرد، به قوه قضاییه محول شده باشد.

۴- نیروی انتظامی وظیفه پیشگیری از وقوع جرم را مستقلا عهده دار نیست بلکه به عنوان ضابط قوه قضاییه چنین وظیفه ای را انجام می دهد. بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در بیان هشتمین وظیفه نیروی انتظامی مقرر می دارد: انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل:

الف - مبارزه با مواد مخدر، ب - مبارزه با قاچاق؛ ج - مبارزه با منکرات و فساد؛ د - پیش گیری از وقوع جرم؛ ه - کشف جرایم؛ و - بازرسی و تحقیق؛ ز - حفظ آثار و دلایل جرم؛ ح - دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفای آن ها؛ ط - اجرا و ابلاغ احکام قضاییه.

به عبارت دیگر این ماده قانونی نه تنها منافاتی با وظیفه قوه قضاییه در پیشگیری از وقوع جرم ندارد، بلکه تأکید دارد که پیشگیری از جرم وظیفه اصلی و ذاتی قوه قضاییه بوده و نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضاییه عمل می کند. (نجفی، ۱۳۸۳، ۸۷)

۱- پیشگیری از وقوع جرم اقدامی اجرایی محض نیست؛ بلکه نوعی قضاوت در آن نهفته است که می بایست روشن شود آیا واقعا مورد متنازع جرم است یا نه و اساسا آیا نیازی به پیشگیری از آن هست یا نه؟ تشخیص این امر بر عهده قوه قضاییه است.

۲- مقدمه قانون اساسی سوای اینکه اعتبار اصول قانون اساسی را ندارد اما در مقام تفسیر قانون اساسی می تواند مورد توجه قرار بگیرد. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش بینی شده است، این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات



ناسالم باشد. ملاحظه می شود پیش گیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی در دیباچه قانون اساسی از اهداف سیستم قضایی شمرده شده است. (صفاری، ۱۳۸۰، ۱۳۹)

۳- به موجب بند « ۴ » قسمت ز ماده ۱۳۰ برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش توسعه امور قضایی نیز بر تمهید سازوکارهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه باید سازوکارهای لازم را برای ایفای پیشگیری از جرم انجام دهد و این خود دلیل دیگری است بر اینکه پیشگیری از وقوع جرم از جمله وظایف قوه قضاییه است.

بدیهی است مفهوم پیشگیری از وقوع جرمی که از وظایف قوه قضاییه به شمار می آید، مفهومی خاص داشته و به معنای مصادره تمامی اقدامات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی لازم برای پیشگیری از وقوع جرم نیست. (قرشی، ۱۴۱۲، ۲۰۱) بلکه باید به منظور کمترین اثر در آزادی های اجتماعی و فردی مردم تا می توان تفسیر مضیقی از اصل فوق در نظر داشت؛ به هر حال در اجرای اصول قانون اساسی همواره باید تمام اصول آن را با هم در نظر گرفت چرا که برخی از اصول بر اصول دیگر حاکمیت دارند؛ به عنوان مثال در اجرای اصل ۱۵۶ قانون اساسی و پیشگیری از وقوع جرم اصول مربوط به حقوق ملت باید مورد توجه قرار بگیرد و اصل نهم و اصل بیست و دوم را در نظر داشت. اصل ۲۲ مقرر می دارد: "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می کند." همانطور که پیداست حتی تجویز قانون نیز به صورت رها و مطلق نیست و در اصل ۹ نسبت به سوء استفاده از تجویز قانون هشدار داده است. اصل ۹ قانون اساسی مقرر می دارد: "هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند" (گلدوزیان، ۱۳۶۹، ۱۵۶)

به هر حال پیشگیری از وقوع جرم نباید دست آویزی برای مخدوش کردن آزادی های مشروع و حقوق آحاد ملت گردد. به عبارت دیگر پیشگیری کنشی وظیفه کل جامعه و دولت به معنای عام و پیشگیری واکنشی در برابر جرم وظیفه قوه قضاییه است فلذا به صورت فنی تر می توان بیان داشت که تنها پیشگیری وضعی از وظایف قوه قضاییه است (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ۹۶) ولی در پیشگیری اجتماعی تمام قوای اجرایی، تقنینی و قضایی و حتی سازمان های غیردولتی و آحاد مردم می بایست مشارکت داشته و آن را وظیفه خود بدانند.



۳-۲- نگاهی به لایحه پیشگیری از جرم

این لایحه به طور کلی سه نهاد را تأسیس می کند: شورای عالی پیشگیری از جرم، سازمان پیشگیری از جرم و شورای استانی پیشگیری از جرم. شورای عالی پیشگیری از جرم: ماده ۲ لایحه مقرر می دارد: در اجرای بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر "اقدام مناسب قوه قضائیه برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین" و اتخاذ سیاست های جامع، هماهنگ و اثربخش در زمینه پیشگیری از جرم یا مشارکت مردم، اجتماعات محلی و نهادهای غیردولتی شورایی به نام "شورای عالی پیشگیری از جرم" به ریاست رئیس قوه قضائیه و مرکب از افراد زیر تشکیل می شود:

۱. معاون اول رئیس جمهور

۲. دادستان کل کشور

۳. وزیران کشور، اطلاعات، دادگستری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، کار و امور اجتماعی و آموزش و پرورش.

حقوق و مطالعات نوین

۴. رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی

۵. رئیس سازمان صدا و سیما

۶. فرمانده نیروی انتظامی

۷. رئیس سازمان بازرسی کل کشور

۸. معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه

۹. رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح

۱۰. رئیس سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

۱۱. رئیس مرکز مطالعات راهبردی و توسعه قضایی

۱۲. فرمانده نیروی مقاومت بسیج



۱۳. رئیس سازمان بهزیستی کشور

۱۴. دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر

۱۵. دبیر شورای سیاست گذاری ائمه جمعه

۱۶. رئیس شورای عالی اسلامی استان ها

۱۷. رئیس سازمان پیش گیری از جرم (دبیر شورا)

مطابق تبصره ذیل این ماده استادان، پژوهشگران و نمایندگان سایر دستگاه های دولتی و غیردولتی به تناسب موضوع های مطرح در شورا به عنوان اعضای مدعو بنا به تشخیص دبیر شورا دعوت می شوند.

۳-۳- وظایف شورای عالی پیشگیری از جرم در ماده ۳ به شرح زیر عنوان شده است

۱. تصویب طرح ها و برنامه های پیشگیری از جرم.
۲. تبیین نقش و وظایف هر یک از دستگاه ها و سازمان های دولتی در امر پیش گیری از جرم در چارچوب وظایف قانونی آنها.
۳. اتخاذ تدابیر مناسب به منظور هماهنگی و توسعه همکاری بین دستگاه های مسئول در امر پیش گیری از جرم.
۴. بررسی لوایح مورد نیاز برای پیش گیری از جرم.
۵. اقدام مناسب برای اصلاح قوانین و مقررات جرم زا.
۶. اتخاذ سیاست های لازم برای توسعه و گسترش فرهنگ پیش گیری از جرم.
۷. اتخاذ تدابیر لازم برای جلب مشارکت مردم و نهادهای مدنی در تهیه، تدوین و اجرای طرح ها و برنامه های پیش گیری از جرم.
۸. ارزیابی نتایج اجرای طرح ها، برنامه ها و عملکرد دستگاه های مسئول در زمینه پیش گیری از جرم.



۹. تخصیص اعتبارهای لازم و استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود در زمینه پیش گیری از جرم.

۳-۴- سازمان پیشگیری از جرم

سازمان پیشگیری از جرم با هدف نظارت بر اجرای مصوبات شورای عالی، کمک به پیشبرد سیاست ها و برنامه های ملی و منطقه ای پیشگیری از جرم و مطالعه و پژوهش در حوزه های راهبردی پیشگیری از جرم، سازمان پیشگیری از جرم زیر نظر قوه قضاییه تشکیل می گردد. ماده ۴ لایحه پیشگیری از وقوع جرم: وظایف این سازمان مطابق ماده ۴ عبارت است از:

۱. ساماندهی و نظارت بر اجرای طرح ها و برنامه های ملی و منطقه ای پیش گیری از جرم.
۲. ارزیابی گزارش های منظم و ادواری از نتایج اجرای طرح ها و برنامه های پیش گیری از جرم به شورای عالی.
۳. تهیه پیش نویس طرح ها، برنامه ها و لوایح پیش گیری از جرم.
۴. بررسی و شناسایی قوانین، مقررات، سیاست ها و رویه های جرم زا و پیشنهاد اقدام مناسب به شورای عالی.
۵. مساعدت به سازمان ها در اجرای سیاست ها، برنامه ها و مصوبات شورای عالی پیش گیری از جرم و تلاش در جهت رفع موانع و مشکلات اجرای آن.
۶. مطالعه اشکال گوناگون بزهکاری در سطوح ملی و منطقه ای.
۷. تأمین آمار و اطلاعات مورد نیاز شورای عالی پیش گیری از جرم برای سیاست گذاری.
۸. بررسی اعتبارهای لازم برای اجرای طرح ها و برنامه های پیشگیری از جرم.
۹. انجام وظایف دبیرخانه شورای عالی پیشگیری از جرم.
۱۰. انجام سایر امور محوله از شورای عالی پیشگیری از جرم.

مطابق تبصره ۱ این ماده (رئیس سازمان، بالاترین مقام اجرایی سازمان است و با حکم رئیس شورای عالی پیشگیری از جرم منصوب می شود.) و مطابق تبصره ۲ این ماده، سازمان برای رسیدن



به اهداف و انجام وظایف محوله با همکاری دستگاه های اجرایی نسبت به ایجاد تشکیلات و کمیته های تخصصی مورد نیاز اقدام می نماید. این سازمان از نظر مقررات مالی و اداری تابع مقررات مربوط به سازمان های وابسته به دستگاه قوه قضاییه است.

۳-۵- شورای استانی پیشگیری از وقوع جرم

به منظور ایجاد هماهنگی در اجرای طرح های پیشگیری، تشویق نوآوریهای منطقه ای و تقویت ساز و کارهای محلی در این زمینه، شورای استانی پیش گیری از جرم به ریاست رئیس کل دادگستری استان تشکیل می شود. اعضای شورای استانی پیش گیری از جرم عبارتند از: (گلدوزیان، ۱۳۶۹، ۳۲)

۱. معاون سیاسی - امنیتی استاندار (دبیر شورا)

۲. دادستان استان

۳. رئیس شورای اسلامی مرکز استان

۴. فرمانده ناحیه انتظامی استان

۵. مدیرکام اداره زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی

۶. مدیرکل آموزش و پرورش

۷. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی

۸. مدیرکل کار و امور اجتماعی

۹. مدیرکل صداوسیما

۱۰. مدیرکل سازمان بهزیستی

۱۱. مدیرکل اداره اطلاعات استان

۱۲. فرمانده نیروی مقاومت بسیج استان



۱۳. مدیرکل بازرسی استان

۱۴. رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان

همانند شورای عالی پیشگیری از جرم، شورای استانی هم می تواند از (استادان، پژوهشگران و نمایندگان سایر دستگاه های دولتی و غیردولتی به تناسب موضوع های مطرح در شورا به منزله اعضای مدعو بنا به تشخیص دبیر شورا دعوت نماید). همچنین مطابق تبصره ۲ این ماده شورای استانی پیش گیری از جرم در صورت نیاز می تواند نسبت به تشکیل شورای شهرستانی پیش گیری از جرم به ریاست رئیس دادگستری شهرستان اقدام نماید.

وظایف شورای استانی پیش گیری از وقوع جرم که در ماده ۶ احصا شده عبارت است از:

- ۱- اجرای مصوبات و سیاست های شورای عالی سیاست گذاری از جرم در سطح استان.
- ۲- اتخاذ تدابیر هماهنگ استانی براساس سیاست های ملی پیش گیری از جرم.
- ۳- بررسی، تصویب و ارزیابی طرح های استانی و شهرستانی پیش گیری از جرم و فراهم آوردن امکانات و بسترهای لازم برای اجرای آن.
- ۴- برنامه ریزی برای سهیم کردن دیدگاه ها و نظرات شهروندان و ساکنان محله ها در تهیه و تنظیم برنامه های پیش گیری از جرم.
- ۵- به کارگیری و جلب مشارکت نهادهای غیردولتی و مردمی در اجرای طرح های پیش گیری از جرم.
- ۶- ارایه گزارش های منظم و ادواری از اجرای طرح ها و برنامه های استانی پیش گیری از جرم به شورای عالی.
- ۷- هدایت شوراهای شهرستانی پیش گیری از جرم و نظارت بر عملکرد آن.

آنچنان که گذشت لایحه بدین شکل صرفا کلیاتی است که سه نهاد را با مسئولیت های مبهم و کلی تأسیس می کند چه اگر لایحه بدین شکل تصویب گردد بایستی در آیین نامه اجرایی آن راه هرگونه سوء استفاده احتمالی از عنوان پیشگیری از جرم گرفته شود چراکه احتمال این سوء استفاده هاست که برخی حقوق دانان را به مخالفت با این لایحه سوق داده به صورتی که بازداشت



و توقیف افراد به تصمیم برخی مقامات امری نگران کننده است و عدم کار کارشناسی در این لایحه بنظر جمعی از حقوقدانان از مهم ترین نقایص آن برشمار می آید. آنچه جامعه ما نیازمند آن است نهاد سازی های فوق نیست؛ جامعه جرم زا باید به جامعه ای جزم زدا تبدیل شود و این نیازمند یک سیاست کلان بین بخشی است. یعنی هر سه قوه تقنینی، قضایی و اجرایی باید به این این نتیجه برسند که قوانین ما نیازمند تجدید نظر کلی به ویژه در عرصه جرایم و مجازات است. در عرصه پیش گیری از جرم نیز باید به هر دو نوع پیش گیری؛ یعنی پیش گیری اجتماعی و پیش گیری وضعی، توجه شود (نجفی، ۱۳۸۲، ۹۹)، علاوه بر مقامات عالی سه قوه، نهادهای مرتبط با این موضوع؛ مانند نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، سازمان زندان ها و ستاد مبارزه با مواد مخدر و قاچاق کالا و مانند آن نیز به صورت جدی باید مشارکت داده شوند. بدیهی است عدم مشارکت نهادهای مدنی و غیردولتی در این عرصه، این برنامه ملی را فاقد انسجام کافی نموده و از مقبولیت عمومی ساقط می کند.

۴- استفاده از تجربیات فراملی در پیش گیری از جرم

فزونی و زیاد شدن جرایم به ویژه جرایم خشونت بار در جهان از یک سو کشورها را به اتخاذ تدابیر و سیاست های جنایی خاص در داخل کشور خود سوق داده است (برنارد، ۱۳۷۳، ۹۶)، و از سوی دیگر آن ها را به همکاری و استفاده از تجربیات کشورهای دیگر ترغیب نموده است، نهادهای بین المللی نیز با استفاده از این انگیزه و نیز با توجه به واقعیت های موجود درباره جرم و مجازات، به سمت تصمیم گیری در باره کاهش جرایم و پیش گیری از وقوع جرم روی آورده اند. بدیهی است ایران نیز به عنوان عضوی از جامعه بین الملل نمی تواند خود را از تجربیات سایر کشورها و نهادهای بی نیاز دانسته و به دور از ملزومات بین المللی اقدام به اجرای سیاست های جنایی خود نماید. مطالعه سیاست های جنایی و روش های پیش گیرانه دیگر کشورها و نهادهای بین المللی و تطبیق آنها با موازین دینی و اجتماعی کشورمان می تواند بسیار ارزنده و مفید باشد. بررسی این سیاست های پیش گیرانه نیاز به مطالعه تطبیقی جدی در دو نوشتار مستقل دارد، یکی مطالعه تطبیقی سیاست های پیش گیری از وقوع جرم در کشورهای مهم و دیگری بررسی دیدگاه های نهادهای حقوقی بین المللی در عرصه پیش گیری از جرایم در سطوح ملی و فراملی.



نتیجه گیری

۱- پیش گیری از وقوع جرم در اصول هشتم، پنجاهم و یکصد و پنجاه و ششم و ... قانون اساسی و در برخی قوانین عادی مورد توجه جدی واقع شده است.

۲- حق انگاری پیشگیری از جرم نتایجی دارد که الفت بیشتر مردم با حقوق خویش و تلاش در دست یاری به آن در انجام تکالیف، عدم امکان سلب حق پیشگیری از وقوع جرم از انسان و نیز عدم امکان به خدمت گیری این حق در منافع گروه یا افراد خاص از جمله این نتایج است.

۳- راه دیگر جمع بین دو اصل فوق این است که اصل ۱۵۶ ذکر خاص بعد از عام است. بنابراین، انجام وظیفه مردم نسبت به پیشگیری از وقوع جرم نافی مسئولیت قوه قضاییه نیست و پیشگیری از وقوع جرم توسط قوه قضاییه نافی مسئولیت مردم نیست.

۴- جمع بین دو اصل فوق این است که پیشگیری از وقوع جرم؛ خواه وظیفه همگانی باشد یا حق همگان، تنها در عرصه پیشگیری زبانی قابل تصور است. مطابق روایات و نظر فقها و حقوق دانان ورود عموم در عرصه اجرایی پیشگیری از جرم در زمانی که دولت اسلامی حاکم است، نارواست. به عبارت دیگر بسط الید در پیشگیری از جرم از متعلقات حاکم شرع می باشد و عموم مردم نباید در این عرصه وارد شوند که اکثر فقهای معاصر نیز همین نظر را دارند.

۵- در اینکه پیشگیری واکنشی در برابر جرم از وظایف قوه قضاییه است یا قوه مجریه، بین حقوق دانان اختلاف است ولی با توجه به استدلالاتی که وجود دارد پیشگیری واکنشی نسبت به جرم را در عداد وظایف قوه قضاییه می توان بر شمرد. و اگر گاه در برخی قوانین عادی پیشگیری از وقوع جرم بر عهده برخی از نهادهای وابسته به قوه مجریه گذاشته شده است، این نهادها به عنوان ضابط قوه قضاییه عمل می کنند.

۶- اقدامات تأمینی، مجازات های بازدارنده، پیشگیری از جرم در مقام دفاع، پیشگیری از جرم محاربه، پیشگیری از تصرف عدوانی، اقدامات پیشگیرانه نیروهای انتظامی، استفاده از نیروی مقاومت بسیج برای جلوگیری از امحای آثار جرم و مانند آن، از جمله مواردی است که در قوانین عادی به صراحت ناظر بر پیشگیری از وقوع جرم است.

۷- در مورد اخیر یعنی استفاده از نیروی مقاومت بسیج باید دقت های لازم را نمود و تنها در صورتی که شرایط مذکور در قانون حمایت قضایی از بسیج و نیز آیین نامه اجرایی آن فراهم گردد،



آن هم نه در اصل پیشگیری از جرم بلکه در موارد احصا شده در قوانین مزبور از جمله پیشگیری از امحای آثار جرم استفاده نمود. این موارد منحصر به جرایم مشهود به منظور پیشگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی است.

۸- لایحه پیشگیری از وقوع جرم گو اینکه گامی مؤثر در این عرصه است ولی آنچه کشور ما به آن نیاز دارد، ایجاد نهادهای جدید زیرعنوان شوراهای عالی یا استانی یا شهرستانی پیش گیری از جرم نیست، بلکه باید با همکاری سه قوه و نهادهای غیردولتی برنامه ای جامع با اتخاذ سیاست های بین بخشی جامعه جرم زا را به جامعه جرم زدا تبدیل نمود که این امر بدون مطالعه جدی در عرصه های حقوقی، جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصادی، فلسفی و مانند آن ناقص خواهد بود.

۹- برخی اقداماتی که گاه از آن زیر عنوان یا با هدف پیشگیری از وقوع جرم یاد می شود، نه تنها مؤثر و مفید نبوده بلکه آثار سوئی نیز در بر خواهند داشت. اینکه مجازات عاملی برای پیشگیری از وقوع جرم باشد، به طور جدی مورد تردید است؛ چه اینکه تأثیر علنی بودن مجازات در کاهش یا پیشگیری از وقوع جرم مورد انکار بسیاری از حقوق دانان و جامعه شناسان قرار گرفته است.

۱۰- استفاده از تجربیات کشورهای دیگر و به ویژه استفاده از دیدگاه های سازمان های بین المللی در عرصه پیشگیری از جرم به دلیل تطبیق بیشتر حقوق داخلی با حقوق بین الملل و همگامی با استانداردهای جهانی در این زمینه قابل توصیه است.

۱۱- در پیش گیری از جرم تنها نباید به مجرم به صورت تجریدی نگریست. مطالعه جرم یا عامل جرم یا مسبب جرم به صورت تجریدی ناقص است بلکه این سه را باید با هم مورد مطالعه قرار داد. مجرم دست پروده اجتماع است لذا جامعه مجرم آفرین خود نمی تواند به مجازات مجرم بپردازد. چه اینکه این حق را به مجرم نیز باید داد تا جامعه جرم خیز خود را محاکمه نماید. در فرایند پیشگیری از وقوع جرم باید هم جامعه و هم مجرم مقصر دانست و ریشه های فردی و اجتماعی جرم باید شناسایی و از بین بروند.

۱۲- در پیش گیری از وقوع جرم نباید راه افراط پیمود و آزادی های فردی و اجتماعی اشخاص را تحدید و تهدید نمود. به ویژه حریم خصوصی انسان ها به صورت جدی باید مورد احترام واقع شود.

۱۳- در پیش گیری از وقوع جرم نباید کرامت، حرمت و حیثیت متهم یا مجرم مخدوش شود؛ درست است که مجرم در اثر ارتکاب جرم، ممکن است کرامت اکتسابی خویش را از دست دهد ولی هیچ انسانی کرامت ذاتی اش نابود شدنی نیست.



منابع

- ۱- ابراهیمی، شهرام، (۱۳۸۳)، پیش گیری از جرم، چاپ اول، بی جا.
- ۲- احمدی ابهری، سید محمد علی، (۱۳۷۷)، اسلام و دفاع اجتماعی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۳- برنارد بولد، (۱۳۷۳)، کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، بی جا.
- ۴- خلفی، مسلم، (۱۳۸۶)، بازنگرشی درون دینی به حجاب، کتاب زنان، شماره ۳۷، سال دهم، پاییز.
- ۵- صفاری، علی، (۱۳۸۰)، مبانی نظری پیش گیری وضعی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴-۳۳.
- ۶- قرشی، سید علی اکبر، (۱۴۱۲ ق)، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم.
- ۷- کی نیا، مهدی، (۱۳۷۶)، مبانی جرم شناسی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- ۸- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۶۹)، حقوق جزای عمومی ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- ۹- نایینی، محمد حسین، (۱۴۲۴ ق)، تنبیه الأمه و تنزیه المله، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ۱۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (بی تا)، تقریرات درس جرم شناسی، پیش گیری، دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی.
- ۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۲-۸۳)، تقریرات درس جرم شناسی دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، تنظیم: رضا فانی، نیمسال اول تحصیلی.
- ۱۳- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۳)، پیش گیری عادلانه از جرم، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد آشوری، انتشارات سمت.



Investigation of effectiveness of crime prevention and its solutions in judicial procedure

Navid Sahraei¹ / Monireh Rahimi Kaldanlo²

Abstract

Crime, crime and fear of crime are common and widespread concerns in different societies; Various measures have been adopted over time to deal with crime and disorder. Except for a few Islamic countries, which have had a significant tendency towards various preventive measures in accordance with the Islamic criminal system, in other nations, these measures have been reactive and repressive and have appeared in the form of punishment and have been applied through the justice system of the judiciary. . In the recent and current decades, the inability of the justice system to solve the problem of crime and insecurity has become clear to everyone, and unfortunately, this fact, as well as the staggering and huge costs of repressive measures, have forced policymakers in the legislative field to use preventive measures. . Over time, preventive measures have clearly shown their effectiveness in preventing crime and dealing with crime and insecurity.

keywords: the nature of crime prevention, social and situational prevention, crime prevention in the constitution, a look at the crime prevention bill.

¹ Master's degree, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Center Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

navidsahraeilawyer@gmail.com

² Legal trainee, BA, Judicial Sciences Department, Faculty of Law, Islamic Azad University, Urmia branch.

monirehlawyer1997@gmail.com

